زندگی خاکستری یک زن در خیانت همسر

زن جوان که به خاطر خیانت شوهرش تن به طلاق داده بود با سرنوشت پیچیده ای روبه رو شد.

او برای سرپرستی دخترش که در ازای بخشیدن مهریه آن را بر عهده داشت به دادگاه خانواده شهید محلاتی تهران رفت و به طرح شکایت پرداخت.

روزهای گمشده

شیوا به آینه نگاه کرد. چقدر پیر و شکسته شده بود. انگار هزار سال داشت. انگار طی هزار سال زیر خروارها سختی شانه هایش خمیده شده بود، به خودش و جوانی از دست رفته اش که فکر می کرد، بیشتر دچار ناراحتی می شد. بیشتر قلبش به درد می آمد. حاصل زندگی زناشویی اش دخترکی است که حالا درست شش سال است از او جدا مانده. تنها چهار سال زیر یک سقف با شوهرش زندگی کرده بود، چرا که پیمان در پی هوس رفته بود.

در دادگاه

شیوا در برابر قاضی دادگاه خانواده ایستاد صدایش می لرزید. کمی هم خجالت زده بود آرام و شمرده گفت: روزی که پیمان به خواستگاری ام آمده بود وقتی با سینی چای جلوی او ایستادم، احساس کردم نگاه هایش خیلی بیگانه است و انگار به زور به خانه مان آمده. بیشتر از آن که پیمان من را دوست داشته باشد، بیشتر از آن که پیمان به این وصلت اصرار کند، مادر پیمان تمایل داشت که من عروس شان شوم.

آهی کشید و گفت: مادرشوهرم انگار متوجه این بی تفاوتی شده بود او گفت بعضی پسرها موقع زن گرفتن شرم و حیا سراغشان می آید و به همین دلیل زبانشان بند می آید. مادرم هم تایید کرد و گفت که پدر من هم در جلسه خواستگاری همین شکلی بود اما ای کاش پیمان تنها یك هفته مثل پدرم بود.

شیوا مکثی کرد و ادامه داد: خیلی زود با اصرار مادر پیمان و پدر و مادرم سر سفره عقد نشستم، امیدوار بودم با نگاه بیگانه پیمان آشنا شوم. من پیمان را دوست داشتم می دانستم پیمان شغل مناسبی ندارد اما پذیرفتم در سختی ها با او باشم. من و او در خانه کوچکی زندگی مان را آغاز کردیم. شیوا سری تکان داد و به قاضی گفت: برای این که زندگی مان گرم تر شود، مادر شدم. عجیب این که پیمان اصلا خوشحال نبود تا این که دخترم به دنیا آمد اسمش را هم من حمیرا گذاشتم و امیدوار شدم دخترم زندگی مان را از بی روحی درآورد.

عشق قدیمی

زن جوان بغض اش ترکید و گفت: هنوز یك هفته نگذشته بود، سارا که از اقوام دور پیمان بود، برای دیدن دخترم به خانه مان آمد. از این که مورد توجه اقوام دور پیمان بودم، خوشحال شدم تا این که از خواهر پیمان شنیدم سارا از شوهرش طلاق گرفته است. انگار او از روزی که شوهر کرده بود، اصلاً علاقه ای به شوهرش نداشت. سارا به اصرار خانواده اش شوهر کرده بود و دلش در جای دیگری بند بود. اصلاً خانه و شوهرش را دوست نداشت. از این که می دیدم دختر جوانی مثل سارا سیاه بخت شده است، ناراحت بودم. از آن شب به بعد متوجه کابوس هایی شدم که شوهرم می دید. پیمان در خواب اسم سارا را صدا می کرد. احساس کردم شاید پیمان هم به خاطر طلاق سارا ناراحت است ولی یك ماه بعد فهمیدم که اشتباه می کردم. از آن روز به بعد متوجه غیبت های شوهرم شدم، در دلم می دانستم که پیمان در کنار سارا است، اما نمی توانستم باور کنم.

شیوا افزود: چهار سال گذشت. دیگر نمی توانستم تحمل کنم. وقتی به پیمان فهماندم می دانم او خیانت کرده است باور نمی کردم پیمان با گستاخی جواب بدهد! او در برابرم ایستاد و گفت که تو تازه و به زور به زندگی من آمدی. سارا را از کودکی دوست داشتم. برای دیدن او به هر چیزی که بگویی متوسل می شدم. سارا هم مرا دوست داشت. به خواستگاری اش رفتم، پدرش قبول نکرد. او را برای پسر یکی از دوستانش در نظر گرفته بود. سارا را که شوهر دادند، من دچار ناراحتی روحی شدم. مادرم برای این که از غصه هایم کم شود، مرا ناچار کرد که تو را بگیرم. تو را گرفتم و با تو ازدواج کردم. در حالی که هیچ علاقه ای به تو نداشتم. حالا که سارا از شوهرش جدا شده است و می خواهد زن من بشود، من باید با او ازدواج کنم. من دلم می خواهد در خانه ای باشم که او باشد.

طلاق

زن گریان گفت: طلاق گرفتم مهریه ام را بخشیدم به شرط این که حمیرا به من برسد. پذیرفت اما فقط یک ماه طول کشید که پدرم این بار من را اذیت کرد او گفت، نوه داماد بی معرفت اش را نگه نمی دارد. سر دوراهی بودم مجبور شدم دخترم را به پدرش بدهم و قرار شد هر هفته او را یک بار ببینم برای این که دخترم نزدم باشد سریع دنبال کار گشتم. همزمان در ملاقات هایم فهمیدم حمیرا به من کم مهر شده و مقصر پدرش است. بالاخره در شرکتی استخدام شدم و با اجاره کردن خانه ای از پیمان خواستم دخترم را به من بدهد اما او نه تنها نپذیرفت بلکه از آن روز حتی اجازه نمی دهد هر هفته حمیرا را ببینم. او آخرین بار به من گفت از موقعیت و ارتباطی که دارد، استفاده می کند و نمی گذارد بچه را ببینم. حمیرا هم اگر لازم باشد، می آید در دادگاه می گوید که نمی خواهد تو را ببیند دیگر ۱۰ ساله است و دادگاه حرفش را قبول می کند.

شیوا در پایان گفت: می خواهم حمیرا را به خاطر شرطی که در بخشیدن مهریه ام گذاشتم به من بدهند و کاری با زندگی هیچ کس ندارم.

بنا به این گزارش، قاضی دادگاه خانواده دستور احضار شوهر سابق شیوا و حمیرا را به دادگاه داد تا با شنیدن ادعاهای آن ها و بررسی پرونده طلاق این زن و شوهر تصمیم نهایی را بگیرد.

قانون چه می گوید؟

در این مطلب می بینیم که این خانم در سال های قبل دادخواست داده است و این دادخواست برای «صدور گواهی عدم امکان سازش» تنظیم و به دادگاه ارائه و در یکی از شعبه های مجتمع قضایی خانواده بررسی شده است. آن چه از صحبت های این زن بر می آید این است که زوج و زوجه هر دو در دادگاه برای طلاق توافق داشته اند و بر اساس همین توافق بوده است که زوجه مهریه خود را در قبال طلاق خلع به زوج بذل کرده و زوج نیز متعهد شده است که طلاق شان به صورت خلع ثبت شود. زوجه همچنین در خصوص جهیزیه و نفقه اعلام کرده است که هیچ درخواست و ادعایی ندارد و تنها خواسته اش حضانت تنها دخترشان بوده است.

زوج متعهد شده است که بابت نفقه فرزند مشترك شان ماهیانه مبلغی به مادر طفل بپردازد وزوج نیز طبق توافق و رأی دادگاه هر هفته روزهای جمعه از ساعت ۹ صبح تا ۱۲ ظهر بتواند با فرزند خود ملاقات کند. دادگاه بعد از این که داوران نظریه زوجین را اعلام می کنند و پس از آزمایش مخصوص تست بارداری زوجه که از سوی پزشکی قانونی صادر می شود، رأی به صدور گواهی عدم امکان سازش به صورت توافقی می کند. زوجین بعد از صدور این گواهی، در مهلت مقرر قانونی اقدام به ثبت طلاق می کنند ولی چند ماه بعد زوجه فرزند مشترك را که در حضانت او بوده به علت مشکلاتی که با آن مواجه شده با یك درخواست مبنی بر استرداد طفل به پدر می سپارد. این درخواست به پدر صادر می شود و در یك دادنامه دیگر مقرر می شود که مادر باید هر هفته روزهای جمعه از ساعت ۹ صبح تا ۵ عصر با بچه اش ملاقات کند با این که طفل مشترك به پدر واگذار می شود و با وجود این که دادگاه زمان ملاقات مادر را تعیین می کند، پدر مانع ملاقات مادر با فرزند مشترك می شود. سرانجام چند ماه بعد پدر طفل درخواست «تقاضای صدور حکم حضانت فرزند مشترك» را به دادگاه تقدیم می کند و دادگاه پس از تعیین وقت رسیدگی و دعوت از دوطرف مبادرت به صدور این حکم می کند. حالا مشکل مادر این است که پدر مانع ملاقات او و فرزندش می شود. با توجه به این که در این جا فرزند دختری است ۱۰ ساله که به سن بلوغ شرعی رسیده است، به موجب رأی وحدت رویه به شماره ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور در ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی اصلاحی هشتم دی ماه سال ۱۳۶۱ که علی القاعده سن صغار به سن بلوغ را دلیل رشد قرار داده است و ناظر به دخالت آنان در هر نوع امور غیرمالی مربوط به خود هستند، در این اختلاف فرزند مشترك مختار است زندگی با پدر یا مادرش را خود شخصاً انتخاب کند.

راز هولناک ۲ زن و ۶ مرد در باند مخوف کرج

مرد زندانی با آزادی از پشت میله های سلول، هشت نوچه زن و مرد را دور هم جمع کرد و کرجی ها را به وحشت انداخت.

این مردان تبهکار با خودروهای سرقتی دست به سرقت از خانه ها در کرج می زدند.

سرقت های سریالی

چندی قبل ماموران پلیس کرج در جریان سرقت های سریالی خودروهای ماکسیما و زانتیا قرار گرفتند و تیمی از ماموران پلیس آگاهی استان البرز برای دستگیری عاملان این دزدی ها وارد عمل شدند.

چهره زنی دزدان

کارآگاهان در گام نخست به سراغ دوربین های مداربسته در نزدیکی محل های سرقت رفتند که خیلی زود تصویر یکی سارقان سابقه دار که تیر امسال از زندان آزاد شده بود به دست آمد.

تیم پلیسی پی بردند که در سرقت ها دو زن جوان نیز برای نقش پردازی و فریب پلیس حاضر بودند و سارق سابقه دار که محسن نام دارد، پس از آزادی نقشه این سرقت ها را به اجرا گذاشته است.

بدین ترتیب تجسس های پلیسی کلید زده شد و ردیابی ها برای دستگیری محسن ادامه داشت که ماموران در جریان چند سرقت خانه نیز قرار گرفتند و در بررسی های تخصصی سرنخی از دزدان به دست آمد که در آن محسن نیز نقش داشت.

کارآگاهان در این شاخه از تحقیقات پی بردند که محسن و همدستانش پس از سرقت خودروها با همدستی دو مرد دیگر دست به دزدی از خانه ها می زنند.

بازداشت رئیس باند

کارآگاهان با اقدامات فنی و پلیسی موفق به شناسایی مخفیگاه محسن شدند و در یک عملیات غافلگیرانه این سارق حرفه ای به همراه یکی دیگر از همدستانش دستگیر شد و در همان بازجویی های ابتدایی به سرقت دو زانتیا، یک خودروی ماکسیما و دو پژو ۴۰۵ و دو خودروی پرشیا اعتراف کردند.

این اعترافات در حالی بود که تعداد خودروهای به سرقت رفته از سوی این باند بیشتر از این تعداد بود و دو سارق سابقه دار پس از تناقض گویی هایشان در بازجویی ها به سرقت بیش از ۲۰ خودرو اعتراف کردند.

بازداشت ۲ زن

ماموران در ادامه با اطلاعات به دست آمده و اقدامات پلیسی، دو زن را که در این باند حرفه ای فعالیت داشتند، در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر کردند.

زن جوان که منیژه نام دارد در اعترافاتش گفت: من و دوستم همراه مردان به محل های سرقت می رفتیم تا کسی به ما شک نکند و در نقش یک خانواده دست به سرقت خودروها و خانه ها می زدیم و در این مدت فکر نمی کردم دستگیر شویم چون ما فقط همراه آن ها بودیم و کار دیگری نمی کردیم.

وی افزود: دو مرد دیگر در این سرقت ها حضور داشتند که بیشتر در زمان سرقت خانه ها همراه ما بودند.

کارآگاهان در ادامه تحقیقات پی بردند که محسن با قرار وثیقه از زندان آزاد شده است و پس از آن با سه تن از همدستان قدیمی اش این باند را تشکیل داده اند که در ابتدا دست به سرقت خودروها می زدند و در ادامه با عضویت دو سارق دیگر که بیشتر در کار سرقت خانه بودند، این باند را بزرگ تر کرده اند.

محسن در اعترافاتش ادعا کرد که دو مرد نیز وسایل سرقتی آن ها را از ما می خریدند و در کل یک باند هشت نفره تشکیل داده بودم و قصد داشتم در مدت زمان آزادی، پول خوبی به دست بیاورم تا رضایت شاکیان پرونده ام را بگیرم که دوباره دستگیر شدم. بنا به این گزارش، تحقیقات پلیسی برای دستگیری دو مالخر و دو سارق دیگر این باند که با اطلاع از دستگیری همدستانشان فراری شدند، در دستور کار ماموران پلیس آگاهی استان البرز قرار گرفته است.

محاکمه تازه داماد به خاطر صحنه خودکشی نوعروس

مرد جوان که در صحنه خودکشی همسرش به وی کمک نکرده و فقط نظاره گر پرتاب شدن او از طبقه چهارم ساختمان بوده است، محاکمه شد. اوایل پاییز سال ۹۷ به پلیس پردیس خبر رسید که یک زن ۲۲ ساله به نام میترا از طبقه چهارم ساختمان شان به پایین سقوط کرده و جان سپرده است. پلیس به این ساختمان اعزام شد و پس از بررسی صحنه خودکشی با دستور قضایی جسد خونین زن جوان به پزشکی قانونی منتقل شد. شواهد نشان می داد میترا و همسرش پرویز که دو سال قبل با هم ازدواج کرده بودند، به تازگی به این خانه اسباب کشی کرده اند اما بارها با هم درگیر شده و همسایه ها صدای دعوای آن ها را شنیده اند. با افشای درگیری های دنباله دار این زوج، پلیس به تحقیق از پرویز پرداخت. وی گفت: من و میترا دو سال بود با هم ازدواج کرده بودیم اما با هم اختلاف داشتیم و به همین دلیل هم تصمیم گرفته بودیم بچه دار نشویم. میترا زن عصبی بود و همیشه ناسزا می گفت. به همین دلیل چند بار با او درگیر شده بودم. آخرین بار وقتی دعوای ما بالا گرفت من به صورتش سیلی زدم و گلدانی را که روی میز بود برداشتم و به سمت او پرت کردم. همان موقع میترا به سمت بالکن اتاق رفت و خودش را از بالکن به پایین آویزان کرد. وی ادامه داد: من که از دیدن این صحنه شوکه شده بودم، چند لحظه مکث کردم. بعد بلافاصله به سمت او دویدم تا دست هایش را بگیرم و او را به داخل ساختمان بکشانم اما همان لحظه دست های میترا رها شد و به پایین سقوط کرد. در حالی که پرویز مدعی بود، در ماجرای کشته شدن همسرش نقشی نداشته پدر و مادر میترا از دامادشان شکایت کردند و گفتند که پرویز با دخترشان اختلاف های شدیدی داشته و به همین دلیل وقتی متوجه شده میترا قصد خودکشی دارد به او کمک نکرده است. با این شکایت و اعلام نظر پزشکی قانونی، بازپرس رسیدگی به پرونده اعلام کرد، پرویز متهم به ترک فعل است و به نظر می رسد وی برای نجات همسرش کاری انجام نداده و فقط نظاره گر بوده است. او وقتی دیده زن جوان از بالکن طبقه چهارم به پایین آویزان است به کمک او نرفته، منتظر شده تا دست هایش خسته شود و به پایین سقوط کند. وقتی پرویز به این اتهام بازداشت شد، خودش را بی گناه خواند و گفت: من هیچ وقت فکر نمی کردم همسرم دست به چنین کاری بزند. وقتی دیدم او خودش را از بالکن خانه به بیرون آویزان کرده است، شوکه شدم. به همین دلیل هم چند لحظه ای صبر کردم اما به محض این که خواستم به او کمک کنم و او را به داخل ساختمان بکشانم دست هایش رها شد و به پایین سقوط کرد. وی ادامه داد: قبول دارم من و همسرم با هم اختلاف داشتیم اما من هرگز راضی به مرگ او نبودم. قرار است پرویز به زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کند. این در حالی است که اولیای دم وی را در مرگ دخترشان مقصر می دانند.

انتشار تصاویر باند خیابانی «بزن در رو» در پایتخت

بازپرس جنایی پایتخت دستور انتشار عکس های مردان دسیسه چینی را صادر کرد که باج گیرهای قهاری بودند. اعضای این باند خانوادگی که از سوی داماد خانواده هدایت می شد با تصادف های ساختگی در خیابان های پایتخت دست به اخاذی می زدند. چندی قبل ماموران پلیس تهران در جریان پرونده های تصادف ساختگی چهار مرد که از طعمه هایشان اخاذی می کردند، قرار گرفتند و تیمی از ماموران اداره ۵ پلیس آگاهی تهران برای دستگیری عاملان این فریبکاری ها وارد عمل شدند. کارآگاهان با حضور در محل های سرقت پی بردند چهار مرد با تصادف های ساختگی دست به اخاذی می زنند که در این مرحله با اقدامات فنی و تخصصی، خیلی زود اعضای این باند که از یک خانواده هستند، شناسایی شدند. بدین ترتیب چهار مرد در منطقه خلیج شناسایی و در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر شدند. رئیس باند که مردی ۴۵ ساله است به ماموران گفت: از یک سال قبل در مناطق سعادت آباد، پونک، جنت آباد، تهرانسر و اتوبان آزادگان با خودروهای لوکس و گران قیمت تصادف می کردیم و در نقش آفرینی و تمارض بدون این که آن ها متوجه نقشه ما شوند، دست به اخاذی می زدیم. در تحقیقات پلیسی مشخص شد این باند در گروه های دو یا سه نفره در خیابان ها با کوبیدن عمدی دست خود به آینه بغل خودرو و با «داد و فریادهای دروغین» که از ناحیه دست دچار مصدومیت شدید شده اند، خودروی طعمه شان را متوقف و در صورتی که سوژه فرار می کرد با خودروهایی که داشتند (پراید، پرشیا، سمند و پژو ۴۰۵) به دنبال او می رفتند و در محلی مناسب با این عنوان که «زدی به مردم و فرار کردی» وی را متوقف و به اخاذی و سر کیسه کردن سوژه اقدام می کردند. بنا به این گزارش، بازپرس شعبه ششم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تقاضای چاپ عکس متهمان خواست تا کسانی که به این شیوه هدف اخاذی این باند قرار گرفته اند به اداره ۵ پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.

صفحه آرایی
واحد صفحه آرایی روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد
☎ ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

آگهی اخطاریه ممنوعیت خروج از کشور کلاسه : ۹۸۰۴۴۵۱

بدینوسیله به آقایان : ۱- جعفر محمدیان نام پدر : علی محل صدور : مشهد تاریخ تولد : ۱۳۴۶/۰۱/۱۵ شماره ملی : ۰۹۳۳۸۵۴۹۵۱ شماره شناسنامه : ۴۲۳۹ ۲- مجید عادلیان نام پدر : قاسم محل صدور : تهران تاریخ تولد : ۱۳۵۰/۰۶/۰۷ شماره ملی : ۰۰۵۵۶۲۵۰۵۳ شماره شناسنامه : ۱۰۹۸۲ ۳- ناصر شکارچیان طرقبه نام پدر : حسین محل صدور : مشهد تاریخ تولد : ۱۳۳۵/۱۱/۰۱ شماره ملی : ۰۹۴۳۶۷۳۱۵۱ شماره شناسنامه : ۳۵ به موجب این اخطاریه اخطار می گردد که مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۲۲ هر کدام بابت بدهی به کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداریها مشهد مقدس به میزان ۱۰/۵۸۷/۹۶۶/۶۷۰ ریال بانضمام حقوق دولتی ممنوع الخروج از کشور گردیده اید. م الف ۱۹۲- اداره اجرای اسناد رسمی مشهد
م/۹۸۰۹۷۹۷۴

آگهی ابلاغ اخطاریه ماده ۸۷
پرونده شماره : ۱۳۹۸۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۱۱۴۴/۱

بدینوسیله به وراث مرحوم محمدرضا کیوانی دولوئی (۱- سمانه کیوانی دولوئی نام پدر : محمدرضا تاریخ تولد : ۱۳۶۱/۰۶/۲۲ شماره ملی : ۰۹۴۱۲۸۶۹۳۲ شماره شناسنامه : ۲۷۶۸ به نشانی: مشهد- کامیاب ۵۰- پلاک ۵۸۲ - ۲-سمیرا کیوانی دولوئی نام پدر : محمدرضا تاریخ تولد: ۱۳۶۷/۰۹/۱۵ شماره ملی : ۰۹۴۴۷۹۳۳۴۷ شماره شناسنامه : ۱۷۶۹۰ به نشانی : مشهد - کامیاب ۵۰- پلاک ۵۸۲ ۳- کوکب کیوان فر نام پدر: مختار تاریخ تولد: ۱۳۲۱/۰۳/۲۶ شماره ملی : ۰۹۱۹۳۹۳۱۶۰ شماره شناسنامه : ۱۵ به نشانی : مشهد - کامیاب ۵۰- پلاک ۵۸۲ ۴- ابراهیم کیوانی دولوئی نام پدر : محمدرضا تاریخ تولد: ۱۳۶۴/۱۲/۰۶ شماره ملی : ۰۹۴۴۶۵۸۴۱۵ شماره شناسنامه : ۴۱۰۴ به نشانی : مشهد - کامیاب ۵۰- پلاک ۵۸۲ اعلام می گردد دو دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی ۲۸۲۸ فرعی از ۷ اصلی بخش ۹ مشهد متعلق به شما در قبال طلب خانم مرضیه بهرامی فر بازداشت گردیده لذا طبق ماده ۸۷ آئین نامه اجرای مراتب بشما اخطار میشود ضمنا هر گونه نقل انتقالی از طرف شما نسبت به مورد بازداشت ممنوع است و ترتیب اثر داده نمیشود. در ضمن این آگهی در یک نوبت در روزنامه --- چاپ --- منتشر گردیده است. م الف ۱۹۰- اداره اجرای اسناد رسمی مشهد
م/۹۸۰۹۷۹۶۸

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم محبوبه اسدی باستناد ۲ برگ فرم استشهادیه منضم به فرم تعهد جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت ششدانگ یک باب آپارتمان به شماره پلاک ۸۰۹۹ فرعی از ۶۶۸۲ فرعی از ۲۲۷ اصلی بخش ۹ مشهد که متعلق به نامبرده میباشد به علت سهل انگاری مفقود گردیده است . با بررسی دفتر املاک معلوم شد مالکیت نامبرده در ذیل شماره دفتر الکترونیک ۱۳۹۶۲۰۳۰۶۰۰۳۰۱۷۱۵۶ بنام محبوبه اسدی ثبت و سند به شماره چاپی ۰۹۴۷۸۸ د ۹۴ صادر گردیده است .دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد .لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می‌گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م الف ۲۰۳-کفیل اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک مشهد مقدس- محمداسماعیل ذاکری
م/۹۸۰۹۸۳۰۳

آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه پرونده ۹۸۰۳۱۵۰

بدین وسیله به ورثه زوج مرحوم یحیی ناصری : فهیمه ناصری نام پدر : یحیی شماره شناسنامه : ۷۳۸۰ به نشانی : مشهد بولوار دوم طبرسی، طبرسی ۵- محدثه ناصری نام پدر : یحیی شماره ملی : ۰۹۷۰۰۸۱۵۴۵ شماره شناسنامه : ۰۹۷۰۰۸۱۵۴۵- فاطمه ناصری نام پدر : یحیی شماره شناسنامه : ۲۰۰۱- مهدیه ناصری نام پدر : یحیی شماره ملی : ۰۹۲۹۲۰۶۳۷۱ شماره شناسنامه : ۰۹۲۹۲۰۶۳۷۱- میثم ناصری نام پدر : یحیی شماره شناسنامه : ۱۲۰۰- فاطمه اکرم زاده نام پدر : محمد تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱۰/۰۲ شماره ملی : ۰۹۳۳۶۹۳۲۷۳ شماره شناسنامه : ۹۲۸۶- نسیم ناصری نام پدر : یحیی شماره شناسنامه : ۶۸۵ ابلاغ می شود که خانم فاطمه اکرم زاده نام پدر : محمد تاریخ تولد : ۱۳۵۳/۱۰/۰۲ شماره ملی : ۰۹۳۳۶۹۳۲۷۳ شماره شناسنامه : ۹۲۸۶ جهت وصول مهریه یکصد و چهارده عدد سکه یک بهار آزادی طلا به استناد سند ازدواج : شماره سند : ۲۰۷۸۸، تاریخ سند: ۱۳۸۵/۱۰/۱۰، دفترخانه صادرکننده: دفترخانه ازدواج شماره ۱۰۱ و طلاق شماره ۸۸ شهر مشهد استان خراسان رضوی علیه مورثین زوج اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۸۰۳۱۵۰ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۹۸/۷/۱ مامور پست محل اقامت مورثین زوج به شرح متن سند مخاطبین در محل حضور نداشتند، لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۹ آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت.
م الف ۱۹۳- اداره اجرای اسناد رسمی مشهد
م/۹۸۰۹۷۹۸۵

آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه پرونده : ۹۸۰۱۲۹۳

بدین وسیله به بدهکاران - زهره معینی مهر نام پدر : محمد شماره ملی : ۰۹۴۲۵۵۳۹۰۱ شماره شناسنامه : ۴۰۰۸ - محمدحسین سلیمانی پور نام پدر : غلامرضا شماره ملی : ۰۹۰۱۵۱۳۲۸۸ شماره شناسنامه : ۲۸ ابلاغ میگردد بانک اقتصاد نوین جهت وصول طلب خود بابت قرارداد بانکی : شماره سند : ۱۸۰۲.۱۱۵.۴۶۴۳۲۳۴.۱، تاریخ سند : ۱۳۹۲/۰۲/۱۹، علیه شما اجرائیه ای به مبلغ : موضوعات لازم الاجرا: ۱۵۶/۱۷۸/۸۴۰ ریال (صد و پنجاه و شش میلیون و صد و هفتاد و هشت هزار و هشتصد و چهل ریال) - اصل طلب : ۷۰/۵۴۳/۶۴۴ ریال - خسارت تاخیر تادیه : ۸۵/۶۳۵/۱۹۶ ریال - خسارت تاخیر روزانه : شرح : با نرخ ۳۳ درصد، تاریخ مبنای محاسبه خسارت : ۱۳۹۸/۰۲/۱۹ و دیگر خسارات متعلقه صادر کرده است و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۸۰۱۲۹۳ در این اداره تشکیل شد.و طبق گزارش مامور پست آدرس شما شناسایی نشده است، لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸آئین نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محلی آگهی می شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام نکنید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت.
م الف ۲۰۲- علیرضا لعلی - رئیس اداره اجرای اسناد رسمی مشهد .
م/۹۸۰۹۸۳۰۴

آگهی ابلاغ اجرائیه پرونده کلاسه ۹۸۰۵۴۸۱

بدینوسیله به - شرکت خراسان پیچ جلیل . ش ث: ۳۷۹۸۸ شناسه ملی : ۱۰۳۸۰۵۳۶۱۹۵ مدیرعامل : علیرضا جلیلی اصل ابلاغ می گردد آقای مصطفی نوروزی فرزند حسین (بستانکار) به استناد چند فقره چک به شماره - شماره چک: ۲۷۵۵۲۲، تاریخ چک: ۱۳۹۸/۰۳/۰۵، شماره چک: ۲۷۵۵۲۸، تاریخ چک: ۱۳۹۸/۰۴/۲۶، شماره چک: ۲۷۵۵۲۵، تاریخ چک: ۱۳۹۸/۰۴/۱۶، شماره چک: ۲۷۵۵۲۱، تاریخ چک: ۱۳۹۸/۰۲/۳۰، شماره چک: ۲۷۵۵۲۴، تاریخ چک: ۱۳۹۸/۰۴/۱۰، شماره چک: ۲۷۵۵۲۳، تاریخ چک: ۱۳۹۸/۰۳/۲۱، اجرائیه ای تحت کلاسه ۹۸۰۵۴۸۱ به مبلغ موضوعات لازم الاجرا : ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سه میلیارد ریال) علیه شما صادر نموده است و چون برابر گزارش مامور پست مشهد، آدرس شما مورد شناسائی واقع نگردیده است، لذا بدینوسیله به شما ابلاغ میگردد طبق ماده ۱۸ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی، یک نوبت در روزنامه جهت اطلاع شما منتشر و از زمان انتشار در روزنامه ، اجرائیه ابلاغ شده محسوب، ظرف مدت ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام و در غیر این صورت بدون انتشار آگهی دیگری عملیات اجرایی طبق مقررات علیه شما تعقیب خواهد شد. م الف ۱۹۵- علیرضا لعلی - رئیس اداره اجرای اسناد رسمی مشهد
م/۹۸۰۹۷۹۸۷

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد رهنی) آگهی مزایده اموال غیرمنقول پرونده اجرائی کلاسه ۹۸۰۳۰۴۰-بانک سپه به استناد سند رهنی شماره ۱۰۲۰۸۲ مورخ ۹۶/۰۶/۲۹ تنظیمی در دفترخانه ۶۱ اجرائیه ای تحت کلاسه ۹۸۰۳۰۴۰ در قبال مبلغ ۴۱۶/۴۹۳/۴۷۹ ریال (چهارصد و شانزده میلیون و چهارصد و نود و سه هزار و چهارصد و هفتاد و نه ریال) علیه آقای حسن زیرک فرزند اکبر بشناسنامه ۵۴۴و صادره از مشهد متولد ۱۳۳۴/۰۳/۲۵ شماره ملی ۰۹۳۶۷۰۵۶۰۴ (بعنوان راهن و بدهکار) صادر نموده است که پس از ابلاغ اجرائیه در مورخه ۹۸/۴/۳۱ (بصورت الصاق) بستانکار تقاضای ارزیابی و مزایده عرصه ۱۲۶۵.۷۳ (هزار و دویست و شصت و پنج متر و هفتاد و سه سانتیمتر مربع و اعیان مسکونی (با سقف چوبی) و گاوداری (شامل انبار علوفه ، اصطبل و انباری با سقف سبک ایرانیت و قوطی) به ترتیب حدود ۶۰ (شصت) و ۲۲۰(دویست و بیست) مترمربع بشماره پلاک ثبتی فرعی ۳۸۸ (سیصد و هشتاد و هشت) از اصلی۱۱۶(صد و شانزده) بخش ۹(نه) مشهد واقع در مشهد روستای خوش هوا، خیابان بهارستان، بین بهارستان ۱۷ و ۱۹ روبروی نانوایی را نمود که به مبلغ ۱/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یک میلیارد و نهصد میلیون ریال) ارزیابی و قطعیت یافته است. نظریه کارشناس به شرح ذیل می باشد: برابر سند ثبتی ارایه شده ملک ششدانگ با پلاک ثبتی فرعی ۳۸۸ (سیصد و هشتاد و هشت) از اصلی ۱۱۶ (صد و شانزده) بخش ۹(نه) مشهد به مالکیت آقای حسن زیرک به آدرس مشهد، روستای خوش هوا، خیابان بهارستان، بین بهارستان ۱۷(هفده) و ۱۹(نوزده) روبروی نانوایی به استحضار می رساند عرصه پلاک مذکور با تصویر سند اعلامی ۱۲۶۵.۷۳ (هزار و دویست و شصت و پنج متر و هفتاد و سه سانتیمتر مربع و اعیان مسکونی (با سقف چوبی) و گاوداری(شامل انبار علوفه، اصطبل و انباری با سقف سبک ایرانیت و قوطی) به ترتیب حدود ۶۰ (شصت) و ۲۲۰(دویست و بیست) مترمربع با قدمت بیش از ۲۰ (بیست)سال بنا گردیده است. . با توجه به مراتب فوق و مشخصات ذکر شده و با درنظرگرفتن کلیه عوامل موثر در میزان ارزش آن به ویژه موقعیت مکانی و جغرافیایی، ابعاد و مساحت عرصه و اعیان، ممر دسترسی ، قدمت بنا، نوع و کیفیت مصالح بکار رفته در آن ارزش تمامت ششدانگ عرصه و اعیان بدون در نظر گرفتن تعهدات و دیونی که ممکن است وجود داشته باشد به مبلغ ۱/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یک میلیارد و نهصد میلیون ریال) برآورد می گردد. ضمنا براساس اظهارات شخص ساکن در آنجا ملک در تصرف مالک می باشد. موقعیت استقرار محل ملک با پلاک ثبتی مذکور مطابقت دارد. حدود اربعه: شمالا: در دو قسمت اول دیواریست بطول (۱۷.۲۰) هفده متر و بیست سانتیمتر به حسن زیرک دوم درب و دیواریست بطول (۴.۸۰) چهار متر و هشتاد سانتیمتر به کوچه.شرقا: در سه قسمت که قسمت سوم آن جنوبی است . اول دیوار بدیوار بطول (۲۳.۸۰) بیست و سه متر و هشتاد سانتیمتر به مهدی شاروبی دوم دیوار بدیوار بطول (۳۲.۳۶) سی و دو متر و سی و شش سانتیمتر به مهدی شاروبی سوم دیوارست بطول (۲۴.۰۰) بیست و چهار متر به زمین حسینعلی نجاریان.جنوبا : فاقد حد. غربا: دیوار بدیوار بطول (۵۳.۲۷) پنجاه و سه متر و بیست و هفت سانتیمتر به صفدر علائی پور.برابر نامه شماره ۱۳۹۸۸۵۶۰۶۲۷۱۰۰۷۰۷۴ مورخه ۹۸/۷/۲۹ دفتر املاک بازداشتی فاقد بازداشتی می باشد مزایده در روز چهارشنبه مورخ ۹۸/۸/۲۹ از ساعت ۹ تا ۱۲ ظهر در محل شعبه اول اجرای اسناد رسمی مشهد واقع در خیابان پاسداران نبش پاسداران ۳/۱ اداره اجرای اسناد رسمی (شعبه رهنی) شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا واگذار می گردد. لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به آب، برق، گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یانشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد، وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهدشد و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول می گردد. ضمنا چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد مزایده روز بعد اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد. م الف ۲۰۱- رییس اداره اجرای اسناد رسمی مشهد - علیرضا لعلی
م/۹۸۰۹۸۳۰۶

آگهی مزایده مال منقول پرونده ۹۸۰۲۹۵۲-به موجب پرونده اجرائی کلاسه فوق این شعبه، خانم زهرا وفائی شعرباف فرزند هادی به استناد سند ازدواج شماره ۱۴۶۸۶-۱۳۹۲/۱۰/۲۷ دفتر ازدواج ۹۱ شهر چناران اجرائیه ای به کلاسه فوق الذکر جهت وصول مهریه خود به تعداد ۲۰ عدد سکه طلای تمام بهارآزادی علیه : آقای مجتبی چشم آبداده صادر که پس از ابلاغ اجرائیه در مورخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۹ از طریق اداره اجرا چناران حسب درخواست بستانکار خودرو سواری پژو ۴۰۵ به شماره انتظامی ۹۳۶ د ۵۶ ایران ۳۶ در قبال ۲۰ سکه بهار آزادی متعلق به مدیون بازداشت و طبق گزارش کارشناس وارده به شماره ۲۱۶۱۲-۹۸/۰۵/۰۱ مشخصات خودرو بدین شرح میباشد: یک دستگاه سواری پژو به شماره انتظامی ۹۳۶ د۵۶ ایران ۳۶ مدل ۱۳۸۸ رنگ مشکی بازدید به عمل آمد برابر اعلام خواهان محترم خودرو از مقابل تعمیرگاه که جهت تعمیر موتور متوقف بوده توقیف شده است لذا چون موتور خاموش بوده و معاینه فنی مقدور نگردید. در صورت صحت اظهارات خواهان محترم موتور معیوب می باشد ازنظرظاهری درب موتور و گلگیر جلو راست و چپ وگلگیر عقب چپ و اطراف بدنه نیاز به بازسازی دارد آیینه های بغل شکسته لاستیکها در اثر دو سال توقف در پارکینگ معیوب شده اند بیمه به اتمام رسیده و باطری معیوب شده با درنظرگرفتن معایب اعلام شده و کسر هزینه نگهداری در پارکینگ با وضعیت موجود قیمت پایه خودرو مبلغ ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یکصد و پنجاه میلیون ریال) تعیین و برآورد میگردد. طبق گزارش مامور اجرا وارده بشماره ۲۱۶۱۱-۱۳۹۸/۰۵/۰۱ خودرو در پارکینگ چاهشک میباشد که پس از قطعیت ارزیابی در روز یک شنبه مورخه ۱۳۹۸/۹/۲۷ از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر جلسه مزایده اتومبیل مذکور در آدرس مشهد پارکینگ چاهشک از مبلغ پایه ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال شروع و به بالاترین قیمتی که خریدار داشته باشد فروخته خواهد شد ضمنا هزینه های قانونی حق حراج به مبلغ ۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال و نیمعشر بمبلغ ۷/۵۰۰/۰۰۰ ریال طبق مقررات از خریدار وصول خواهد شد همچنین در صورت تعطیلی روز مزایده در روز بعد از تعطیل رسمی در ساعت تعیین شده برگزار میگردد. م الف ۱۷۵، اداره اجرای اسناد رسمی مشهد م/۹۸۰۹۸۳۱۲

آگهی مزایده مال غیرمنقول پرونده کلاسه ۹۶۰۶۴۴۴

به موجب پرونده اجرایی کلاسه ۹۶۰۶۴۴۴ مطروحه شعبه دوم اجرای ثبت مشهد خانم فاطمه موسوی نام پدر : هاشم تاریخ تولد: ۱۳۴۸/۰۴/۳۱ شماره ملی : ۰۹۳۲۱۲۲۸۴۱ شماره شناسنامه : ۴۹۰۶۲ باستناد سند ازدواج شماره ۱۲۸۷۱-۱۳۸۶/۰۵/۲۳ تنظیمی دفتر ازدواج شماره ۱۰۹ و طلاق ۴۵ شهر مشهد جهت وصول مهریه به تعداد ۵۰ عدد سکه تمام بهارآزادی علیه ورثه مرحوم غلام عطاران اجرائیه ای به کلاسه فوق صادر که پس از ابلاغ اجراییه در روزنامه مورخ ۹۷/۰۱/۲۹ و صحت گواهی انتشار آگهی توسط متصدی مربوطه. حسب درخواست وکیل بستانکار وارده به شماره ۲۸۲۱-۹۷/۰۲/۰۵ شش دانگ پلاک ثبتی ۹۶۴۲ فرعی از ۵ اصلی بخش ۹ مشهد ملکی - مرحوم غلام عطاران در قبال تعداد پنجاه عدد سکه تمام بهار آزادی بازداشت و برابر گزارش کارشناس رسمی دادگستری به شماره وارده ۴۰۵۳۰ مورخ ۹۷/۱۰/۰۳ پلاک ثبتی فوق واقع در مشهد - پنجراه سناباد- بین بانک ملی و ابن سینا ۱۸ پلاک ۲۶۰ در معیت ورثه مرحوم از ساختمان مورد نظر بازدید و معاینه محلی به عمل آمد و نظریه کارشناسی به شرح ذیل به استحضار میرساند: ملک از سمت شمال به خیابان ابن سینا راهرو دسترسی به عرض دو متر و به طول ۱۵/۴۰ متر و از سمت جنوب به حریم کال قره خان متصل میباشد و دارای پلاک ثبتی به شماره ۹۶۴۲ فرعی از ۵ اصلی بخش نه مشهد به شماره ثبت ۱۱۹۲۲ دفتر ۵۹۸ صفحه ۵۴۱ و به مالکیت مرحوم غلام عطاران فرزند فیض محمد به مساحت عرصه حدود ۲۰۵/۸ مترمربع که موقوفه اوقاف میباشد و اعیان در چهارطبقه (همکف به علاوه سه طبقه فوقانی) جمعا چهار واحد مسکونی با نیمه اسکلت فلزی و سقف تیرآهن با طاق ضربی با قدمت بیش از ۲۰ سال و متراژ تقریبی هر واحد صدمتر مربع با دو اتاق خواب با کف سیمانی، پذیرائی با کف سرامیک، آشپزخانه سنتی با کابینت فلزی جمعا چهارصد متر مربع میباشد و ساختمان دارای امتیاز چهارکنتور برق- یک کنتور گاز و آب مشترک می باشد و برابر اظهارات یکی از ورثه (آقای محمدرضا عطاران) ساختمان فاقد پروانه و پایانکار میباشد. لذا با توجه به بازدید و توضیحات فوق و موقعیت و مرغوبیت منطقه و لحاظ نمودن کلیه عوامل موثر در ارزیابی فارغ از هرگونه بدهی و موارد حقوقی و تعریض ملک به مراجع قانونی و ... بنظر اینجانب در حال حاضر ششدانگ عرصه موقوفه و اعیان و امتیازات جمعا به مبلغ ۹/۹۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (نهصد و نود و شش میلیون تومان) برآورد و تعیین میشود. و حدود و مشخصات ملک برابر نامه شماره ۱۳۹۷۲۱۷۰۶۰۰۳۰۱۲۱۰۴ مورخ ۹۷/۰۵/۱۵ اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک مشهد: شمالا بطول دو متر درب و پایه به خیابان شرقا بطول (۳۲/۹۰) سی و دو متر و نود سانتی متر دیوار به دیوار اعیان جلالی جنوبا بطول ده متر دیواریست به حریم کال قره خان غربا اول بطول (۱۷/۵۰) هفده متر و پنجاه سانتی متر دیوار به دیوار اعیان ۲۸۸۳ فرعی دوم که شمالی است ۸ متر و سوم بطول (۱۵/۴۰) پانزده متر و ۴۰ سانتی متر دیوار به دیوار اعیان گلزار و برابرنامه شماره ۱۳۹۷۸۵۶۰۶۰۰۳۰۰۳۸۵۸ مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۰۱ ملک دارای یک بازداشت میباشد. وبرابر گزارش مامور اجرا برابر وارده به شماره ۲۱۰۸۶ مورخ ۹۷/۰۶/۱۴ ملک مذکور در محل واقع در مشهد- پنجراه سناباد- بین بانک ملی و ابن سینا ۱۸ پلاک ۲۶۰ در اختیار فرزندان مرحوم قرارداشت شامل یک زمین و سه طبقه بوده که همگی در تصرف فرزندان مدیون بوده است. و برابر گزارش مامور اجرا وارده به شماره ۲۱۴۳۳ با توجه به مطالبات بستانکار و هزینه ها میزان ۱۴۹ سهم مشاع از ۶۰۰ سهم (یکصد و چهل و نه سهم مشاع از ششصد سهم) ششدانگ پلاک ثبتی موصوف در قبال مبلغ ۲/۴۷۳/۴۰۰/۰۰۰ ریال مزایده خواهد شد ضمنا مبلغ ۹۸/۹۳۶/۰۰۰ ریال حق مزایده و نیم عشر به مبلغ ۱۲۳/۶۷۰/۰۰۰ ریال میباشد که طبق تبصره ماده ۱۲۱ آئین نامه اجرا بعهده برنده مزایده میباشد و مزایده بمقدار فوق از مبلغ ۲/۴۷۳/۴۰۰/۰۰۰ ریال از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر در روز دوشنبه مورخه ۱۳۹۸/۹/۲۵ در محل شعبه دوم اجرا شروع و به بالاترین قیمت که خریدار داشته باشد فروخته خواهد شد. ضمنا پرداخت بدهیهای مربوطه اعم از آب و برق و گاز حق انشعاب و یا حق اشتراک و نیز بدهیهای مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آنها معلوم شده یا نشده بعهده برنده مزایده است و هزینه های قانونی طبق مقررات وصول خواهد شد همچنین در صورت تعطیلی روز مزایده در روز بعد از تعطیل رسمی در ساعت تعیین شده برگزار میگردد. مزایده در آدرس خیابان امام خمینی، خیابان ثبت اداره اجرای اسناد رسمی مشهد شعبه دوم اجرای ثبت برگزار میگردد. م الف ۱۹۶- اداره اجرای اسناد رسمی مشهد
م/۹۸۰۹۸۳۱۱